

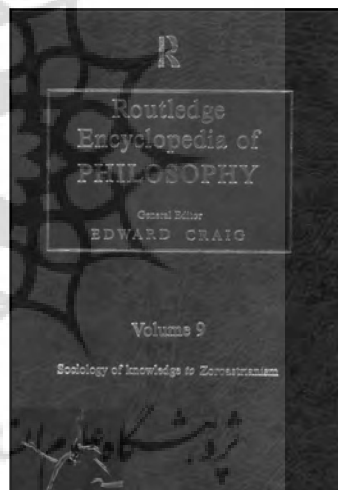
انشقاق در نظام دانشنامه‌نگاری فلسفی در غرب

• روزبه صدرآرا

عضو هیأت علمی و ویراستار بنیاد دائرة المعارف اسلامی

دانشنامه فلسفه پل ادواردز دقیقاً با چنین نیتی طراحی شده است، گرچه قصد نگارنده به هیچ روی خوارداشت زحماتی نیست که پل ادواردز و سایر ویراستاران این دانشنامه متحمل شده‌اند. به زعم نگارنده، دانشنامه مذکور مرجع ارزشمندی برای مطالعه عالم فلسفه از نگره سنت فلسفه تحلیلی است. این دانشنامه با همکاری ۵۰۰ تن از متخصصان و استادان فلسفه فراهم آمده که در ۸ جلد منتشر شده است؛ نام‌های آشنایی نظیر السدیر مک اینتایر، ویلیام آلستون، جان سرل، جان هیک، هانری کربن، سید حسین نصر و... در این دانشنامه به چشم می‌خورد.

۱۵۰۰ مقاله در دانشنامه مذکور درج شده که ۹۰۰ مقاله مربوط به فیلسوفان است و اندازه مقالات نیز میان ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ کلمه می‌باشد. دانشنامه فلسفه پل ادواردز بنا بر گرایش فلسفی سرویراستار و ویراستاران آن که اشاره شد، اهمیت اندکی به موضوعات مابعدالطبیعه و دین داده است و گویی به نظر می‌رسد چندان که شایسته است به این دو جریان کهنسال در فلسفه پرداخته است، به نحوی که به عنوان مثال در قیاس با دانشنامه فلسفه راتلج که ۵۸ مدخل را به فلسفه اسلامی اختصاص داده است، تنها ۱۳ مدخل در باب فلسفه اسلامی در دانشنامه فلسفه پل ادواردز وجود دارد که عبارت انداز: ابن رشد، ابن رشدگرایی، ابن سینا، فارابی، ابوحامد محمد غزالی، ابن باجه، ابن خلدون، ابن طفیل، محمد اقبال، کندی، ملاصدرا، سهروردی و فلسفه اسلامی. چنان که می‌بینیم تنها ۱۱ فیلسوف در جهان اسلام معرفی شده‌اند در حالی که در دانشنامه فلسفه راتلج، خواننده می‌تواند ۳۱ مدخل را در باب زندگی و افکار فیلسوفان اسلامی مطالعه کند. در مقاله «فلسفه اسلامی» نوشته فضل الرحمان به دلیل موجز نویسی محل و شتاب زده، خواننده به درکی عمیق و چندسویه‌نگر نسبت به این مقوله دست نمی‌یابد در حالی که در دانشنامه فلسفه راتلج، ما می‌توانیم ۲۷



سنت دانشنامه‌نگاری در عرصه فلسفه همواره مناقشه‌انگیز و پرجدل بوده است، چراکه گردآورندگان و ویراستاران دانشنامه‌های فلسفه با توجه و تأکید نسبت به سنت فلسفی‌ای که از آن برخاسته‌اند، به ارزش‌دآوری در باب مفاهیم، اصطلاحات و اشخاص پرداخته‌اند. این رویکرد گردانندگان و ویراستاران دانشنامه‌های فلسفه از سویی سودمند است، زیرا خوانندگان را با فضای یک سنت فلسفی در دانشنامه آشنا می‌کند به عبارتی خوانندگان می‌توانند با نگره‌های فیلسوفان یک مکتب به سایر مکاتب، مصطلحات و اشخاص بنگرند. از سویی دیگر چنین رویکردی یک سویه و غیر سودمند است چرا که شاید برخی از جریان‌ها و اشخاص در عالم فلسفه بنا بر صلاحدید گردانندگان و ویراستاران حذف شوند و اگر آن را لزوماً تحریف ندانیم، دست کم تداعی‌کننده‌گونه‌ای تعصب است که به هیچ وجه قابل قبول نیست.



در حاشیه این جهان غربی بالیده‌اند، مواجهه‌ایم. انتقادات علنی و صریح پل ادواردز نمایانگر فروخت گرایش‌هایی فلسفی است که می‌خواهند با معیار و میزان خود قبای فلسفه را بر تن خوانندگان بدوزند؛ امروزه در غالب دانشنامه‌های فلسفه، فیلسوف به صورت عام به متفکران، آموزه‌پردازان و محققانی اطلاق می‌شود که در حوزه‌های فراخ دانش‌های انسانی به تفکر مشغول‌اند حتی این حیطة راداستان نویسانی نظیر لئوتالستوی، آلبرکامو، داستایفسکی، و... در برمی‌گیرند. با نگاهی شتاب زده به مدخل‌های دانشنامه فلسفه راتلج، ما با انبوهی از اسامی هنرمندان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، منتقدان ادبی، عالمان سیاست و یا حتی رهبران سیاسی، عارفان و... روبه‌رویم که عنوان «فیلسوف» را به دوش می‌کشند. دانشنامه فلسفه پل ادواردز و دانشنامه فلسفه راتلج امروزه حکایت‌گر انشقاقی هستند که در نظام دانشنامه نگاری در عرصه فلسفه به وجود آمده است. با پدید آمدن مکاتب، جریان‌ها و مفاهیم جدید، جهان دانشنامه‌های فلسفه از یکسویه نگری و تعصب رهیده‌اند.

پانوش:

۱. پل ادواردز، «انتقاد از تکمله دایرة المعارف فلسفه»، ترجمه سهراب علوی نیا، نشر دانش، ش ۴، زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۰۳-۱۰۴.

مدخل درباره فلسفه اسلامی و تأثیرات و تأثراتش بر او عالم فلسفه مطالعه کنیم؛ این از سویی نشان دهنده کم توجهی سرویراستار و ویراستاران این دانشنامه نسبت به جریان‌های فلسفی است که در حاشیه فلسفه غربی زاد و رشد کرده‌اند.

دانشنامه فلسفه پل ادواردز تنها به مکتب‌ها و اشخاصی پرداخته است که از نظر قاطبه فلاسفه تحلیلی، «فیلسوف» به حساب می‌آیند به تعبیری خارج از این سنت، کسانی که به آموزه‌پردازی در جهان فلسفه پرداخته‌اند، یا حقیرند و یا دست کم مشکوک. ادواردز در مقاله‌ای که در واکنش به تکمله دانشنامه مذکور که چند سال بعد به آن ۸ جلد منضم گردید و فیلسوفان و متفکران غیر تحلیلی مدرن و پست مدرن را در برمی‌گرفت، به شدت تاخت و هدف خود را از تدوین چنین دانشنامه‌ای توجه به روح فلسفی آن که منبعث از آرای ولتر، دیدرو، هیوم و راسل بود، دانست. وی در ادامه ابراز کرد که چرا صفحات زیادی با شیفتگی به عده‌ای از نویسندگان معاصر که غالباً فرانسوی و آلمانی‌اند و از دیدگاه غالب فیلسوفان تحلیلی، بسیار حقیر یا حداقل مشکوک هستند، اختصاص داده شده است؟ (تاکیدات از نگارنده است) ادواردز نام شش تن را از این دسته ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: هانا آرنتم، ژاک دریدا، سیمون دوبوار، میشل فوکو، هانس گئورک، گادامر و پل ریکور (با پنج مدخل مربوط به وی). او در پایان حتی توجه مفراط (!) ویراستاران بعدی دانشنامه را به مارتین هایدگر به باد سخره و انتقاد گرفت. از نظر ادواردز، نوشته‌ها و آرای هایدگر و پیروانش - که برخی از آن‌ها در فوق آمده‌اند - «مهملات محض» هستند. در حالی که در دانشنامه فلسفه راتلج بخش وسیعی از آن به مکاتب جدید پست مدرنیسم، پساساختارگرایی، واسازی، فمینیسم و پسااستعمارگرایی و آموزه‌پردازان و پیروان آنها اختصاص داده شده است و حتی در طبقه بندی کلان موضوعی دانشنامه فلسفه راتلج، بخشی جدی به فلسفه پست مدرن فرانسوی داده شده است.

انتقاداتی که مطرح شد نیاستی این شائبه را در ذهن متبادر کند که دانشنامه فلسفه پل ادواردز در جهت تحریف و تخریب چهره واقعی جهان فلسفه گام برداشته و یا حتی کمر به قتل آن بسته است. سخنانی که در این مقاله طرح گردید حاکی از گسست نظام دانایی در شیوه تدوین دانشنامه‌های فلسفه در غرب است به عبارتی با تغییر نسل فیلسوفان و آموزه‌پردازان غربی، ما با گونه‌ای چندگانه نگری و تساهل نسبت به جهان فلسفه غرب و خاصه فلسفه‌هایی که